

نقش شبکه ملی اطلاعات در تحکیم استقلال و امنیت ملی در گام دوم انقلاب اسلامی

محمد رحیم عبوضی^۱، صفیه رضایی^۲، محسن محمدی خانقاهی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۵

چکیده: با توسعه تکنولوژی ارتباطی نقش‌آفرینی دولت‌ها در کنترل بسیاری از امور به ویژه جریان اطلاعات کنترل و هدایت افکار عمومی و روز به روز تضعیف می‌شود؛ همچنین فضای مجازی سبب دگرگونی ریخت جامعه و اخلال در نظام ارزشی، گسترش جاسوسی نوین و توسعه نبردهای هیبریدی شده و از این جهت، تهدیدات امنیتی جدی را شکل داده است. در شرایط کنونی، زیرساخت ارتباطی موجود در ایران، وابستگی قابل توجهی به شبکه جهانی اینترنت دارد و این موضوع، چالش‌های جدی برای استقلال و امنیت جمهوری اسلامی ایران تولید کرده است. به دلیل عدم اطمینان پذیری چنین ساختار ارتباطی‌ای، پایداری و امنیت ارتباطات بر بستر شبکه موجود نیز به مخاطره خواهد افتاد. هدف این پژوهش، تبیین نقش شبکه ملی اطلاعات در تحکیم استقلال و امنیت ملی در گام دوم انقلاب اسلامی است. بنابراین سوال اصلی پژوهش عبارت است از: «نقش شبکه ملی اطلاعات در تحکیم استقلال و امنیت ملی در گام دوم انقلاب اسلامی چیست؟» برای انجام این پژوهش، از روش تحلیل اسنادی و برای گردآوری داده‌ها از ابزار فیش برداری بهره گرفته شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، تحقق شبکه ملی اطلاعات می‌تواند زمینه‌ی مصونیت ذخایر اطلاعات ملی، ارتقای توان بازدارندگی در مقابل تهدیدات سایبری، حراست از حریم خصوصی و آزادی‌های مشروع، توسعه پدافند غیرعامل و... را مهیا سازد. مهمتر تضمین استقلال و امنیت کشور و تحقق حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در فضای سایبر است که این امر وابستگی کلیدی به تحقق شبکه ملی اطلاعات در سه بعد زیرساخت، سرویس و محتوا دارد.

واژگان اصلی: فضای مجازی، شبکه ملی اطلاعات، استقلال، امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

به جرات می‌توان گفت که در عصر ارتباطات، تمامی ابعاد و حوزه‌های جامعه و زندگی انسان متأثر از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی است و فراگیری این شبکه‌ها، تحولات گسترده و عمیقی را زمینه سیاست، فرهنگ و ... شکل داده است. به صورت خاص در زمینه سیاسی، اثرگذاری این شبکه‌ها برجسته‌تر و پررنگ‌تر بوده است و تعاملات حکومت‌ها با مراجع فراملی، جنبش‌های اجتماعی، ساخت قدرت و کنش سیاسی در جوامع مختلف را دگرگون ساخته است. اثرگذاری این شبکه‌ها به ویژه در جریان تحولات بیداری اسلامی، کودتای ترکیه و انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۱۶، بیش از همیشه آشکار گردید. همچنین در جریان حوادث سال ۱۳۸۸ در ایران و اعتراضات اجتماعی در سال‌های ۹۶ و ۹۷، اثرگذاری سیاسی و امنیتی شبکه‌های اجتماعی بسیار برجسته بوده و بحث‌های زیادی را در محافل نخبگانی و آکادمیک شکل داد. در واقع با توجه به کنترل و سلطه ایالات متحده بر شبکه جهانی اینترنت و جریان اطلاعات، این کشور دسترسی گسترده‌ای به کلان داده‌ها و فضای افکار عمومی سایر کشورها و از جمله ج.ا.ا دارد و این امر در سال‌های اخیر، چالش‌ها و تهدیدات جدی را برای استقلال و امنیت ملی کشور ایجاد کرده است. به باور کارشناسان و صاحب‌نظران، آن چه می‌تواند این تهدیدات را کمینه سازد، عملیاتی شدن شبکه ملی اطلاعات است. بر این اساس، هدف اصلی این پژوهش، بررسی و تبیین نقش شبکه ملی اطلاعات در تحکیم استقلال و امنیت ملی در گام دوم انقلاب اسلامی است. با توجه به این هدف، سوال اصلی پژوهش نیز عبارت است از: «نقش شبکه ملی اطلاعات در تحکیم استقلال و امنیت ملی ج.ا.ا در گام دوم انقلاب چیست؟ جهت پیشبرد این پژوهش، از روش کیفی تحلیل اسنادی بهره گرفته شده است. روش تحقیق اسنادی هم به منزله یک روش تام و هم تکنیکی جهت تقویت دیگر روش‌های کیفی، مورد توجه می‌باشد. در این گونه تحقیق، محقق داده‌ها را درباره وقایع، پدیده‌ها و کنشگران اجتماعی، از میان منابع و اسناد جمع‌آوری می‌کند. (فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۴: ۶۳) از این جهت برای پیشبرد پژوهش پیش‌رو، به بررسی و تحلیل منابع و اسناد مرتبط با حوزه ادبیات تحقیق پرداخته شده و برای گردآوری داده‌ها از ابزار فیش برداری از منابع مختلف بهره گرفته شده است. در این پژوهش، در ابتدا و در بخش چارچوب مفهومی، نسبت فضای مجازی با حاکمیت، استقلال و امنیت ملی مورد بحث قرار گرفته و در ادامه، نقش شبکه ملی اطلاعات در تحکیم استقلال و امنیت ملی مورد بررسی و تبیین قرار می‌گیرد.

۱. چارچوب مفهومی

۱.۱. فضای مجازی و مسئله حاکمیت و استقلال ملی

امروزه فناوری از راه‌های گوناگونی مفهوم حاکمیت را به چالش کشیده است و به باور برخی، نحوه اعمال حاکمیت را تغییر داده است و در این میان، جهانی شدن نیز نقش داشته است. (مستقیم، ۱۳۸۵: ۲۲۲) در واقع با ظهور تحولات و شرایط جدید در روابط بین‌الملل، حق حاکمیت با چالش جدی روبرو شده است و نفوذ و کنترل دولتمردان همانند گذشته نیست. به صورت خاص، توسعه شبکه جهانی اینترنت یکی از عوامل اصلی این تحول است. این وضعیت سبب شده تا برخی از صاحب‌نظران در مقابل نظم سنتی دولت - ملت، بر جهان‌گرایی یا جهان‌شمولی تاکید کنند (اسلامی، ۱۳۸۱: ۷۸) چنین به نظر می‌رسد که در وضعیت کنونی، حکومت‌ها توان گذشته در کنترل کامل بر سرزمین‌شان را به میزانی از دست داده‌اند و با پیشرفت روزافزون تکنولوژی به خصوص در زمینه اطلاعات، نقش‌آفرینی دولت‌ها در کنترل و نظارت بسیاری از امور، به خصوص مرزهای سیاسی، روز به روز تضعیف می‌شود و با ظهور فرآیند جهانی شدن، حاکمیت حکومت‌ها علاوه بر قلمرو و فضای فیزیکی، قلمروهای جدید مانند فضای مجازی را بایستی دربرگیرد (بدیعی و نصرآبادی، ۱۳۹۱: ۱۵۹ و ۱۶۰) آن گونه که ویس (۲۰۰۰) می‌گوید، حکمرانی اعمال اقتدار اداری، سیاسی و اقتصادی در مدیریت هر کشور در تمامی سطوح آن است (بردبار و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱) و با توجه به این که فضای مجازی نیز یکی از سطوح و قلمروهای مورد اشاره است، بنابراین اعمال حاکمیت در فضای مجازی، موضوعیت حیاتی دارد و دغدغه جدی برای دولت‌ها تولید کرده است.

چنین می‌نماید که فناوری اطلاعات و ارتباطات سبب می‌شود مرزهای رسمی - حقوقی دیگر به طور محکم قابل دفاع نباشند، زیرا رخنه پذیرند. انواع داده‌ها از بین مرزها و از فراز و از طریق آن‌ها عبور می‌کنند به گونه‌ای که گویا اصلاً مرزی وجود ندارد. چرا که رشد فناوری ارتباطات و توسعه فضای مجازی با وحدت مکانی به عنوان سنگ‌بنای مفهوم حاکمیت در ستیز است و انگاره فضای مجازی با تقسیمات کنونی سرزمین‌های جهان به دولت‌های گوناگون انطباق ندارد. گفته می‌شود که فناوری اطلاعات و ارتباطات به عدم تمرکز آگاهی انجامیده است که به نوبه خود تمرکز قدرت در درون اکثر دولت‌ها را، اگر ناممکن نسازد، مشکل می‌سازد. (مستقیم، ۱۳۸۵: ۲۳۶-۲۲۸) به طور کلی باید گفت که توسعه فناوری ارتباطات و فضای مجازی از چند جهت حاکمیت و استقلال دولت را به فرسایش می‌کشاند. نخست «یکپارچگی سرزمینی» حاکمیت‌ها را به چالش می‌کشد چرا

که فضای مجازی با مرزبندهای سرزمینی کنونی مطابقت ندارد و این ادعای دولت‌ها را که قادرند روابطی قطعی و محکم بین شهروند و سرزمین ایجاد کنند مورد چالش جدی قرار می‌دهد (اسلامی، ۱۳۸۱: ۸۵) در سطحی دیگر توسعه فضای مجازی از توانایی دولت برای مهار کردن و کنترل بر «جریان اطلاعات» در درون سرزمین خود می‌کاهد. (مستقیمی، ۱۳۸۵: ۲۴۵) کنترل جریان اطلاعات به عنوان یک نگرانی اولیه در منازعات سیاسی و نظامی همواره مورد توجه حاکمیت‌ها بوده است (اسلامی، ۱۳۸۱: ۸۳) در کنار آن، بازیگران در سطح فراملی به فناوری جدید اطلاعات و ارتباطات در همه اشکال آن، به صورت رسانه و توانایی پردازش دست پیدا می‌کنند. این وضع به سازمان‌های غیر حکومتی محلی اجازه می‌دهند تا در مناسبات و معادلات بین‌المللی، دولت را دور بزنند و شرکت‌های خصوصی خدماتی ارائه دهند که زمانی تنها دولت می‌توانست انجام دهد (مستقیمی، ۱۳۸۵: ۲۴۵) در واقع می‌توان گفت که توسعه فضای مجازی سبب دگرگونی جدی رابطه مراجع داخلی و شهروندان با نظام سیاسی می‌شود و ضمن افزایش اثرپذیری نظام سیاسی از شهروندان، دستور کار حکومت‌ها در سطح ملی و فراملی، هر چه بیشتر توسط فضای مجازی تعیین می‌گردد و دولتمردان ناچارند بخش عمده‌ای از انرژی و وقت خود را صرف مقابله با بحران‌ها واقعی یا کاذبی نمایند که توسط فضای مجازی و فناوری جدید ارتباطی به وجود آمده است. (اسلامی، ۱۳۸۱: ۸۶)

۱.۲. فضای مجازی و چالش‌های پیش‌روی امنیت ملی

استفاده از فناوری های نوین ارتباطی، ما را وارد عصر و جامعه تازه ای کرده است؛ به طوری که اندیشمندانی چون «دانیل بل^۱» آن را جامعه فراصنعتی، «مانوئل کاستلز^۲»، جامعه شبکه ای و «تادائو اومه سائو» جامعه اطلاعاتی نامیده اند. شبکه های اجتماعی یکی از بانفوذترین فناوری های جدید ارتباطی هستند که همه ابعاد زندگی فردی و جمعی کاربران را تحت تاثیر و نفوذ خود قرار داده‌اند. آن گونه که عقیلی و ضیایی پرور اشاره می‌کنند، این شبکه ها با عضوگیری رایگان از کاربران، توانسته اند در «جریان سازی‌های» مختلف نقش اساسی ایفا کنند. (سلطانی فر و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۲) این تاثیرگذاری البته در سطح فردی محدود نخواهد شد بلکه واجد ابعاد گسترده اجتماعی نیز خواهد شد. چه اینکه فرایندهای فضای مجازی، قالب های انتقال پیام و تحول در محتوای پیام های صادر

¹: Daniel Bell

²: Manuel Castells

شده در شبکه اجتماعی می تواند منجر به تحولات جدی در حوزه اجتماعی، سیاسی و ... شود. (محمدی و همکاران؛ ۱۳۹۶: ۳)

۱.۲.۱. دگرگونی ریخت جامعه و اخلال در نظام ارزشی

«مانوئل کاستلز» معتقد است: «شبکه های اجتماعی ریخت اجتماعی جوامع ما را تشکیل می دهند و گسترش منطق شبکه ای، تغییرات چشمگیری در عملیات و نتایج فرآیندهای تولید، تجربه، قدرت و فرهنگ ایجاد می کنند.» کاستلز بر این باور است که «شبکه های اجتماعی ساختارهایی باز هستند و بر ریخت اجتماعی جدید جوامع تاثیر یگانه ای دارند». (رضائیان، ۱۳۹۳: ۸۶) باید گفت نظم نوین نظام کنش اجتماعی، نظمی نامتقارن است. این نظام فاقد مرکز و رده بندی است. در چنین شرایطی، نظام ارزش های جامعه نیز دچار سرگشتگی و اخلال شده و در یک فرایند پایان ناپذیر تغییر و تحول، به جریانی از ارزش های «قابل تعویض با همدیگر» تبدیل می شود. به گونه ای که دیگر هیچ ارزش برتری وجود ندارد که مبنا و پایه نهایی همه ارزشهای دیگر با هر درجه از عظمت باشد. (پوررضا، ۱۳۹۳: ۶۱-۵۶) در واقع فراگیری شبکه های اجتماعی، نقش موثری در حرکت به سوی «تکثرگرایی ارزشی» دارد. از سوی دیگر برای موفقیت و مانایی شبکه، بایستی طیف گسترده تری از ارزشها، سلاقی و نگرش ها را در شبکه تجمیع کرد و سبب می شود تا به گونه ای «باز» و «گشوده» در شبکه عمل کرد. به بیانی دیگر، فلسفه وجودی شبکه های اجتماعی، بازنمایی جامعه اومانستی غربی در چارچوب و قالب فضای مجازی است. نتایج تحقیق سلطانی فر و همکاران نشان از آن دارد که علی همچون آزادی در ارتباط و تسهیم اطلاعات، در شبکه های توییتر و فیسبوک در گرایش کاربران به این شبکه ها موثر است. (سلطانی فر و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۱ و ۱۹۲)

به گونه ای خاص تر، شبکه های اجتماعی نقشی محوری در ساخت و بازسازی سبک زندگی دارند. (کیا، ۱۳۹۴: ۲۹-۳۱) این شبکه ها بر ادبیات و پوشش شهروندان اثر گذاشته و همچنین روابط آنان با جنس مخالف را متحول می سازند. میلیاردها نفر در سال های اخیر با بهره گیری خلاقانه از شبکه های اجتماعی و از طریق اتصال به اینترنت، زندگی خود را متحول کرده اند. (سلطانی فر و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۴) در نهایت می توان گفت که مرجعیت شبکه های اجتماعی در جهت دهمی تاثیر بر افکار عمومی، سبب مرجعیت شخصیت های هنری یا سلبریتی ها در تحولات اجتماعی و سیاسی شده است و این امر می تواند همزمان با فروکاست اثرگذاری مراجع اجتماعی سنتی، چالش جدی برای نفوذ و اقتدار حکومت ها ایجاد کند و حتی از طریق بسیج سیاسی و اجتماعی، در مقابل آن

صف‌آرایی نمایند.

۱.۲.۲. شبکه‌های اجتماعی و نبردهای هیبریدی

محیط امنیتی بین‌المللی بعد از فروپاشی نظام دوقطبی، به شدت متأثر از فناوری ارتباطی و اطلاعاتی است. به تبع تحولات سیستمی، روش جنگ نیز متحول و مبدل به پدیده‌ای تحت عنوان «جنگ هیبریدی» شد که به شدت پیچیده و مقاوم در برابر راه‌حل‌های متداول می‌باشد. (قاسمی و فرزین، ۱۳۹۶: ۵۲) جنگ هیبریدی به «راهبرد نظامی پیچیده‌ای اطلاق می‌شود که نوعی هم‌افزایی از نبردهای متعارف، نامتعارف، سایبری، روانی و اطلاعاتی را شکل می‌دهد و در کنار جنگ‌های کلاسیک و غیره، نوع چهارم یا پنجم از نبردها» به شمار می‌آید. هشت ابزار برای نبردهای هیبریدی عبارتند از: «جنگ اطلاعاتی، حملات سایبری، جنگ اقتصادی، دیپلماسی، حمایت از شورش‌های داخلی یا محلی، استفاده از نیروهای نامنظم و چریکی و استفاده از نیروهای نظامی ویژه». (پورحسن، ۱۳۹۶: ۲۹) واقعیت آن است که از سال ۲۰۰۳، رسانه‌های اجتماعی تبدیل به یک ابزار کاملاً جدید و فوق‌العاده قدرتمند برای «پخش اکاذیب» و «احساسات» که پیشبرنده جنگ است، شده‌اند. مرکز عالی ارتباطات استراتژیک ناتو در یکی از جدیدترین گزارش‌های خود، به موضوع رسانه‌های اجتماعی تحت عنوان «رسانه‌های اجتماعی به مثابه ابزار در جنگ ترکیبی» پرداخته است. از طرفی پنتاگون در حال تحقیق در مورد چگونگی استفاده از «تویتر» به منظور نفوذ ذهنی در افراد است و این نهاد، از شایستگی خود در استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای «کنترل ماجراها» استفاده می‌کند. همچنین تویتر به دلیل ماهیت خاص خود و محدودیت کمی برای انتخاب تعداد کاراکتر متن، می‌تواند در راستای «رادیکال کردن فضای سیاسی - اجتماعی جوامع هدف و تشدید تنش‌های آن»، مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

گاردین در این زمینه بیان می‌دارد که ارتش بریتانیا در حال ایجاد یک نیروی ویژه از رزمندگان فیسبوک، ماهر در عملیات روانی و استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای شرکت در جنگ غیرمتعارف در عصر اطلاعات است. نیروهای دفاع اسرائیل (IDF) نیز در حال ایجاد راهی در این حوزه برای بهره‌گیری دولتی/نظامی از رسانه‌های اجتماعی، مانند آنچه طی عملیات انجام سرکوب در غزه در سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹ انجام دادند، می‌باشد. (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۳/۱۱/۱۲) همچنین جنگ‌های اخیر در لیبی، سوریه و اوکراین نشان داده‌اند که رسانه‌های اجتماعی به طور گسترده‌ای برای: الف) هماهنگ کردن اقدامات؛ ب) جمع‌آوری اطلاعات و ج) نفوذ در باورها و نگرش مخاطبان هدف و حتی

«بسیج آن‌ها» برای عمل، استفاده می‌شود. به صورت خاص این وضعیت در قبال ایران در حوادث و ناآرامی‌های سال‌های ۹۶ و ۹۸ رخ داد و نقش شبکه‌های اجتماعی در هدایت اعتراضات بسیار برجسته بود. در واقع امر آموزش خشونت، سازماندهی، بسیج و هدایت اعتراضات توسط فعالان مجازی و در بستر شبکه‌های اجتماعی، صورت می‌گرفت. باید گفت شبکه‌های اجتماعی این قابلیت را دارند تا به عنوان سلاح به کار گرفته شوند؛ خبرگان حوزه شبکه‌های اجتماعی، هفت راه را پیشنهاد می‌کنند که می‌توان از این شبکه‌ها در راستای پشتیبانی از عملیات نظامی استفاده کرد:

الف) جمع‌آوری اطلاعات: در شرایط کنونی، نقش اصلی در جمع‌آوری و کسب اطلاعات را شبکه‌های اجتماعی ایفا می‌کنند و این شبکه‌ها به ابزارهای اصلی جاسوسی نوین و فراگیر بدل شده‌اند. جستجوی متمرکز برای تحلیل اطلاعات بر روی شبکه‌های اجتماعی، پروفایل‌ها و یا محتواها به صورت آشکار یا پنهان، صورت می‌پذیرد. تمامی این تجزیه و تحلیل‌ها می‌تواند به پشتیبانی از عملیات روانی کمک کند.

ب) هدف‌گیری: جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات در مقیاس گسترده و فراگیر این امکان را برای مالکان و هدایت کنندگان شبکه‌های اجتماعی ایجاد می‌کند تا با تجمیع و پردازش داده‌ها، بتوانند بر روی اهداف خاص متمرکز شده و این اهداف را کنترل و رهگیری کنند. به عنوان مثال، حمله به یک مقر داعش پس از ۲۲ ساعت از ردیابی یک نوشته در شبکه‌های اجتماعی مربوط به آن، صورت گرفت.

ج) اطلاع‌رسانی و تاثیر (جنگ روانی): شبکه‌های اجتماعی امکان بی‌بدیلی را برای صاحبان این شبکه‌ها برای برجسته‌سازی و یا سرکوب برخی موضوعات و جهت‌دهی به روندهای اطلاع‌رسانی، فراهم می‌آورد که می‌تواند تاثیرگذاری بسیار زیادی بر کاربران و مخاطبان هدف بگذارد. استفاده از محتوا و یا هویت‌های جعلی به منظور انتشار یک پیام و به حداقل رساندن صداهای جایگزین، استفاده هماهنگ از پست‌ها، مقالات و غیره که توسط رهبران عقیده، فعالان و اشخاص جعلی نوشته شده‌اند، و همچنین ربودن هشتک‌های ترند شده در توئیتر برای افزایش دسترسی به یک پیام یا مخاطبان ناشناس، فرآیندی است که از طریق شبکه‌های اجتماعی دنبال می‌شود. همچنین، توزیع اطلاعات غلط و شایعات برای تبلیغ یک تخلف ادعایی حریف، حمله به محتوای دشمن با هدف مسدود کردن یا درخواست از سرویس‌دهنده‌گان برای حذف محتوا از پروفایل‌های خاص، مهندسی اجتماعی، فریب و ایجاد سروصدا و یا مه در اطراف یک موضوع، به منظور منحرف کردن

از رویدادهای مهمتر، در چارچوب راهبرد نامبرده صورت می‌پذیرد.

د) **عملیات سایبری**: هدف قرار دادن رسانه‌های اجتماعی با روش دست‌یابی به رمز عبور حساب کاربری، تغییر محتوا و یا ارائه یک فضای غیرقابل استفاده در وبسایت، افشای محتوای اتاق‌های گفتگو، ایمیل، تلفن همراه کاربر و یا نفوذ به بانک اطلاعاتی برای جمع‌آوری اطلاعات و رخنه در آن، همگی از جمله موارد عملیات سایبری است.

ه) **فرماندهی و کنترل**: استفاده از رسانه‌های اجتماعی در میان گروه‌های شورشی به عنوان یک ابزار برای ارتباطات داخلی، اشتراک‌گذاری اطلاعات و هماهنگ‌سازی اقدامات، همگی از امکانات این شبکه‌هاست که سبب سهولت مولفه‌های فرماندهی و کنترل می‌شود.

و) **دفاع**: محافظت از پلتفرم شبکه‌های اجتماعی، وبسایت‌ها، پروفایل‌ها و حساب کاربری در سطح تکنیکی از اجزاء دفاع به شمار می‌روند. این فعالیت‌ها می‌تواند با استفاده از رمزگذاری و ضد رهگیری و یا تغییر آی‌پی‌ها^۱ (شناسه) همراه باشد.

ز) **خبرچینی و نفوذ**: خبرچینی، نفوذ و همچنین جنگ روانی، به انتشار اطلاعات برای هدف-گذاری و نفوذ بر روی ارزش‌های مخاطب، نظام اعتقادی، احساسات و عواطف و رفتارها اشاره دارد. رسانه‌های اجتماعی در این موارد به دنبال دستیابی به اثرات نظامی خاصی در شناخت دامنه شکل، اطلاع، نفوذ، دستکاری، افشا، فریب، زورگویی، بازدارندگی و بسیج می‌باشند. روش‌های نفوذی که در شبکه‌های اجتماعی به کار برده می‌شود، می‌تواند آشکارا باشد. همچون استفاده از حساب‌های کاربری رسمی، کانال‌ها، وبسایت‌ها و یا استفاده از حساب‌های کاربری جعلی و بات‌ها که به صورت پنهان است. (svetoka,2016:13-15)

۱.۲.۳. فضای مجازی و جاسوسی نوین

نقطه کانونی در بهره‌برداری و بکارگیری شبکه‌های اجتماعی توسط ساختارهای قدرت بین المللی، در بخش جاسوسی نوین یا سایبری قرار می‌گیرد. بنیان تمامی مسائلی که در حوزه جاسوسی نوین به وقوع می‌پیوندد، منبع قدرت جریان اطلاعات است. چرا که امروز منبع قدرت در «جریان اطلاعات» تعریف می‌شود و کشورهایی که بر شاهراه‌های اطلاعاتی کنترل و نفوذ دارند و یا از داده‌های ردوبدل شده در این شاهراه، بهتر بهره‌برداری به عمل می‌آورند، در واقع برای خود کسب

1- IP

قدرت و نفوذ می‌کنند. باید گفت که همه‌ی عرصه‌ها و حوزه‌های زندگی نظیر تفریح، کار، آموزش، تخیل، واقعیت و ... در حلقه جریان اطلاعات جهانی قرار می‌گیرد. جاسوسی نوین، به نوعی تکنیک کسب اطلاعات سری، بدون داشتن مجوز از نگهدارنده اطلاعات، به بستری به نام فضای مجازی است. اهدافی که از طریق جاسوسی نوین پیگیری می‌شود عبارتند از: جمع‌آوری و کسب اطلاعات، مدیریت اطلاعات، مدیریت افکار عمومی و در نهایت مدیریت جهان از طریق فضای مجازی. باید گفت که جاسوسی نوین، حوز‌هایی زیرساخت، سرویس، کاربر و محتوا را دربر می‌گیرد. در همین راستا گفته می‌شود؛ در یک بازه زمانی ۳۰ روزه، آژانس امنیت ملی آمریکا، ۹۷ میلیون فقره اطلاعات را جمع‌آوری کرده است که ایران با رکورد ۱۴ میلیارد فقره اطلاعات، هدف اصلی بوده است. در واقع شبکه‌های اجتماعی به خاطر سهولت ارتباطی کاربران و یکپارچگی سرویس‌های ارائه‌دهنده ایمیل و ... از طریق بانیان‌شان، مرحله جدیدی را در چرخه جاسوسی سایبری ایجاد کرده است. بر اساس مطالعات صورت گرفته بر روی صد نرم‌افزار پیام‌رسان، مدیریت اکثر آن‌ها (در بخش فنی یا عالی) بر عهده یک افسر اطلاعاتی بوده است. نکته مهمی که باید بدان اشاره کرد این است که حملات سایبری به دلایل زیر، به سوی تلفن همراه سوق یافته است: ۱- اطلاعات دائمی تلفن همراه (در تلفن همراه برخلاف رایانه، کاربر در طول ۲۴ ساعت در دسترس است) ۲- اطلاعات با ارزش ۳- منبع ارزشمند و ۴- نفوذ بالا.

۲. شبکه ملی اطلاعات بستر تحقق استقلال و امنیت ملی

شبکه ملی اطلاعات طبق تعریفی که شورای عالی فضای مجازی در مصوبه جلسه پانزدهم خود در تاریخ ۹۲/۱۰/۳ ارائه داده است، «به عنوان زیرساخت ارتباطی فضای مجازی کشور، شبکه‌ای مبتنی بر قرارداد (پروتکل) اینترنت به همراه سوئیچ‌ها و مسیریاب‌ها و مراکز داده‌ای است به صورتی که درخواست‌ها دسترسی داخلی برای اخذ اطلاعاتی که در مراکز داده داخلی نگهداری می‌شوند به هیچ وجه از طریق خارج کشور مسیریابی نشود و امکان ایجاد شبکه‌های اینترنت و خصوصی و امن داخلی در آن فراهم شود.» (همایون و هاشمی، ۱۳۹۶: ۱۲۰) در واقع شبکه ملی اطلاعات، شبکه‌ای بومی و متشکل از مراکز داده ملی، زیرساخت‌های ارتباطی و سرویس‌های نرم‌افزاری است که در سراسر ایران مستقر خواهد شد و خدمات دولت الکترونیکی و سرویس‌های رفاهی و اجتماعی را از طریق فیبر نوری و با سرعت بالا به مردم ایران ارائه خواهد کرد. این شبکه، مستقل از اینترنت جهانی عمل کرده ولی به آن متصل خواهد بود تا مردم بر دریافت خدمات ملی از طریق شبکه ملی

اطلاعات، بتوانند از خدمات اینترنت جهانی نیز بهره‌مند باشند. وجود چنین شبکه‌ای علاوه بر «تضمین دسترسی امن و پایدار به سرویس‌های ملی» (مانند شبکه ملی بانکداری و...)، کاربران را از «پهنای باند بسیار بالایی برای ارتباط و انتقال اطلاعات» بهره‌مند خواهد کرد. (نامداریان، ۱۳۹۵: ۵۵ و ۵۶)

بحث شبکه ملی در کشور از اواخر سال ۱۳۸۴ مطرح و مهمترین دلیل پیاده‌سازی این شبکه در آن سال، «کاهش وابستگی به شبکه جهانی اینترنت اعلام شد». (همایون و هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۲۰) در واقع طراحی و تدوین شبکه ملی اطلاعات در طول یک دهه گذشته در کانون توجه مسئولان عالی‌رتبه کشور و نهادهای مرتبط با فضای مجازی بوده است و بر طبق برنامه پنجم توسعه، راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات جزء تکالیف دولت بوده است (نامداریان، ۱۳۹۵: ۵۶). این پروژه در طول نزدیک به یک دهه گذشته فراز و فرودهای زیادی را تجربه کرده است و در برهه‌های زمانی مختلف، تعریف‌ها و برداشت‌های گوناگون و البته بسیار متعددی از آن و همچنین الزامات تحقق‌اش بیان شده است. حتی در عرصه عمل و اجرا نیز، ادعاها و گفته‌های متعددی توسط مجریان و متولیان در مورد تحقق یا عدم تحقق آن بیان شده است و البته وضعیت آن در شرایط فعلی در ابهام قرار دارد. هر چند که با توجه به اظهارات گوناگون نهادها و مسئولان در مورد شبکه ملی اطلاعات، امکان ارائه تصویر روشن و دقیقی در مورد این شبکه، سخت و مشکل است.

رخدادها و تحولات شگفتی‌ساز در طول یک دهه گذشته و به ویژه شکل‌گیری بحران سیاسی - اجتماعی متعدد در طول این دهه، شبکه ملی اطلاعات را به صورت مستمر و فزاینده در کانون توجه بحث‌ها و مطالعات مربوط به فضای مجازی و به ویژه «امنیت سایبری» قرار داده است. تاثیرگذاری فضای مجازی بر تحولات سیاسی اجتماعی، جاسوسی نوین، حملات سایبری، فیلترینگ، هک و نفوذ و به ویژه مقوله بسیار مهم «حاکمیت سایبری»، از جمله مواردی است که کشورهای مختلف (همچون آلمان، کره جنوبی، چین و روسیه) را به سوی طراحی و عملیاتی‌سازی شبکه ملی اطلاعات سوق داده است. البته «شبکه ملی اطلاعات» با عنوان «زیرساخت ملی اطلاعات، نخستین بار در سال ۱۹۹۱ در ایالات متحده آمریکا در «قانون پردازش با کارایی بالا» مطرح شد. هدف این شبکه پردازش با کیفیت بالا در ایالات متحده آمریکا بوده است. آن گونه که رجبی اشاره می‌کند (۱۳۹۱) مشابه این پروژه در بسیاری از کشورها اجرا شده است. برای نمونه کره جنوبی که رتبه اول سرعت اینترنت جهان را در اختیار دارد، در دهه ۱۹۹۰ پروژه شبکه ملی پرسرعت را اجرا کرد. همچنین

کشورهای چین و انگلستان، مدلی مشابه شبکه ملی اطلاعات را در خاک خود پیاده‌سازی کرده‌اند. (نامداریان، ۱۳۹۵: ۵۸) طراحی و تدوین شبکه ملی اطلاعات در کشورهای نامبرده به عنوان یک اولویت راهبردی در جهت حفظ ثبات و امنیت ملی خوانش می‌گردد و این موضوع سبب شده تا این کشورها در برابر «سرقت اطلاعات و جاسوسی»، «تهدیدات و حملات سایبری»، «نفوذ در زیرساخت‌های کلیدی» و مواردی این‌چنین، امن و مقاوم گردند و در جهت‌گیری فراملی نیز، رویکرد حاکم بر چنین اقدامی، «تقابل با قدرت و تهدید سایبری ایالات متحده» و یکه‌تازی آن در این زمینه است.

واضح است که در شرایط کنونی به دلیل عدم تحقق شبکه ملی اطلاعات در ایران، حجم بالایی از «داده‌های» کشور در حوزه‌های مختلف و کلیدی، از کشور خارج شده و در اختیار دشمنان اصلی ایران، همچون ایالات متحده آمریکا قرار می‌گیرد. از سویی دیگر همزمان با اشغال پهنای باند قانونی کشور توسط شبکه‌های اجتماعی بیگانه، به نوعی تهدیدات و حملات سایبری علیه ایران طی سال‌های اخیر، روندی فزاینده را طی کرده و خسارات جدی را ایجاد کرده و خواهد کرد. با توجه به حساسیت‌ها و دشمنی‌های غرب با محوریت ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران و همچنین تسلط کامل ایالات متحده بر شبکه جهانی وب، هر گونه اقدام و کنش در چارچوب و ساختار کنونی فضای مجازی، به نوعی بازی در زمین دشمن یا رقیبی به نام آمریکاست و بنابراین نمی‌تواند تامين‌کننده اهداف راهبردی ایران در این حوزه (از جمله امنیت) باشد. بنابراین برای تامين استقلال، ثبات و امنیت ملی در این حوزه و اعاده حاکمیت ملی کشور در حوزه سایبر، راهجویی و چاره‌اندیشی بنیادینی جز طراحی و عملیاتی‌سازی «شبکه ملی اطلاعات» وجود ندارد.

۲.۱. شبکه ملی اطلاعات، فقدان اجماع نظری و دو نگاه متفاوت

طراحی و عملیاتی‌سازی هر پروژه‌ای نیازمند رسیدن به برداشت مشترک در مورد اصول، مفاهیم، ابعاد و مولفه‌های کلیدی آن پروژه است که سبب می‌شود؛ منابع و نیروها در مسیر درست و معطوف به هدف هدایت گردند. بدون وجود درک و فهم مشترک از عناصر نامبرده، شاهد تضییع منابع و همچنین انحراف پروژه از اهداف و فلسفه وجودی خود خواهیم بود که در صورت عدم نظارت و واریسی مستمر، ممکن است سبب غفلت و فراموشی اهداف اولیه از اجرای پروژه نیز باشیم. شبکه ملی اطلاعات نیز به عنوان پروژه‌ای راهبردی و کلان، دارای اصول، ابعاد، مفاهیم و مولفه‌های کلیدی است که تحقق کامل آن، در گرو طراحی و عملیاتی شدن کامل و منسجم این عناصر می‌باشد.

در شرایط کنونی از اصلی‌ترین چالش‌های جدی در فرآیند طرح و عملیاتی شدن موضوعی به- نام شبکه ملی اطلاعات، «نبود فهم مشترک و اجماع نظری پیرامون آن میان مجریان، مسئولان و نهادهای متولی است». این وضعیت به گونه‌ای است که وزرای ارتباطات در دولت کنونی و گذشته، پس از پایان مسئولیت‌شان، از تکمیل و نهایی شدن این شبکه صحبت کرده و تحقق آن در دوره مسئولیت‌شان را اعلام داشته‌اند. این در حالی است که در بسیاری از بازه‌های زمانی تحقق و عملیاتی شدن شبکه ملی اطلاعات، هیچ نوع سند جامع و منسجمی، راهنمای عملیاتی شدن این پروژه حساس نبوده است. در واقع در هر دوره‌ای مبتنی بر نوع تعریف و تصور مسئولان مربوطه در آن مقطع زمانی، شبکه ملی اطلاعات تعریف و به پیش برده شده است. می‌توان گفت که در سطح کلان دو نوع نگاه به شبکه ملی اطلاعات وجود دارد:

الف) یک نوع نگاه، شبکه ملی اطلاعات را در قالب «پدافندی» ارزیابی می‌کند و بر آن است که ضرورت شبکه ملی اطلاعات، برای امکان پیشبرد امور در شرایط تحریم اینترنت است. به عبارتی این نوع نگاه، یک «نگاه حداقلی» به شبکه ملی بوده و آن را صرفاً ابزاری برای مقابله با تحریم اینترنت و کاهش تهدید عدم دسترسی به شبکه وب ارزیابی می‌کند.

ب) نگاه دوم، فلسفه وجودی شبکه ملی و علت‌العلل طراحی و تدوین این شبکه را در راستای «اعمال حاکمیت» در فضای سایبر می‌داند که بدون تحقق آن در سه سطح «زیرساخت»، «سرویس» و «محتوا»، امکان اعمال حاکمیت توسط ج.ا.ا. در فضای سایبر را غیرممکن ارزیابی می‌کند. به عبارتی برآیند تحقق توأمان، جامع و دقیق هر سه عنصر یاد شده، موجب تحقق و تولد موجودیتی به نام شبکه ملی اطلاعات می‌شود.

واقعیت آن است که برآیند فعالیت‌ها و اقدامات کنونی در ارتباط با شبکه ملی اطلاعات، منجر به تحقق و تولید این شبکه در قالب «پدافند غیر عامل» می‌شود، بنابراین، این شبکه، بستر و ابزاری برای ایجاد و تحقق «حاکمیت سایبری ج.ا.ا.» نمی‌شود. در شرایط فعلی و با توجه به واقعیات موجود، به نظر نمی‌رسد که گروه‌های ذی‌نفوذ و اپوزیسیون اجازه دهند تا شبکه ملی فراتر از «زیرساخت» و در سطح «سرویس و محتوا» نیز عملیاتی گردد؛ چرا که حیات سیاسی - اجتماعی گروه‌های اپوزیسیون نظام به معنای واقعی کلمه رو به زوال خواهد گذاشت.

از سویی دیگر، بازنمایی شبکه ملی اطلاعات در رسانه‌های بیگانه و معاند، عمدتاً منفی است. این رسانه‌ها در خصوص اهداف و سیاست‌های نظام از این طرح، بر تشدید کنترل‌ها و محدودیت‌ها

با اجرایی شدن این پروژه و همچنین، نقض حریم خصوصی کاربران و تمایل نظام به تسلط کامل بر جریان‌های اجتماعی از این طریق تاکید کرده‌اند. ضمن آن که برخی رسانه‌ها معتقد به الگوپذیری ایران در طراحی و اجرای این طرح از کشورهای کره‌شمالی، چین و روسیه بودند؛ کشورهایی که به اعمال کنترل و نظارت‌های اقتدارگرایانه در فضای مجازی مشهورند. (همایون و هاشمی، ۱۳۹۶: ۱۵۹) بنابراین پیشبرد و تدوین شبکه ملی اطلاعات و عملیاتی کردن آن مطابق با سه مولفه نامبرده و نیازهای اصلی نظام ج.ا.ا، نیازمند «حمایت مستمر سیاسی در بالاترین سطوح نظام سیاسی» است. چرا که حجم فشار و فعالیت‌های جریان اپوزیسیون و معاند برای جلوگیری از عملیاتی شدن این شبکه (در سه سطح مورد نظر مقام معظم رهبری)، بسیار بالاست و این امر تلاش‌ها و اقدامات مثبت در این حوزه را خستی و بی‌اثر می‌سازد. بنابراین عملیاتی کردن شبکه ملی، نیازمند حمایت‌ها و هزینه‌های قابل توجه سیاسی و حتی اجتماعی است.

۲.۲. ابعاد و مولفه‌های اصلی شبکه ملی اطلاعات

برای آن که شبکه ملی اطلاعات موفق شود و به اهداف کلیدی مدنظر دست یابد، نیاز است که مولفه‌ها و عناصر اصلی آن در تناظر با یکدیگر و به صورت هماهنگ طراحی و عملیاتی گردد. با توجه به مجموع بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی و همچنین واقعیت‌های موجود در فضای مجازی، ۳ بعد و مولفه اصلی در طراحی و تدوین شبکه ملی اطلاعات باید مورد توجه و تعریف قرار گیرد که عبارتند از: الف) «زیرساخت بومی»؛ ب) «سرویس بومی» و ج) «محتوای بومی». در واقع حاکمیت و کسب استقلال سایبری توسط ج.ا.ا، به معنای برخورداری از زیرساخت بومی، سرویس و محتوای بومی است به گونه‌ای که امکان کنترل جریان اطلاعات و تعاملات مجازی کاربران، فراهم آید.

ترکیب و برآیند سه بعد نامبرده، شبکه ملی اطلاعات را در قالب منظومه مدنظر مقام معظم رهبری و نیازهای حقیقی کشور، شکل خواهد داد. لذاست که فقدان هر یک از ابعاد ذکر شده، نمی‌تواند ما را به مقصود و هدف نهایی نائل گرداند. در شرایط کنونی، صرفاً در حوزه «زیرساخت» آن هم نه به طور کامل، پیشرفت‌های مطلوبی حاصل گردیده است و می‌توان گفت که تمرکز و توجه اصلی در چند سال آینده نیز صرفاً متوجه توسعه همین بعد خواهد بود. هر چند که تمرکز و توجه بر این بعد و غفلت راهبردی از ابعاد دیگر، که حتی دارای اهمیت بالاتری می‌باشند، بیانگر «انحراف و تهدید جدی در پیاده‌سازی شبکه ملی اطلاعات» می‌باشد. بدون طراحی سرویس‌ها و شبکه‌های

اجتماعی بومی، حتی با وجود پیشرفت مطلوب در حوزه زیرساخت، شرایط موجود تغییر بنیادینی نخواهد کرد و کماکان کلان‌داده‌ها و تعاملات مجازی جامعه ایرانی در دسترس و هدایت کشورهای بیگانه قرار خواهد داشت و به تبع آن، «استقلال و امنیت ملی» با چالش جدی مواجه خواهد شد. متأسفانه در چند سال گذشته با وجود فرصت‌های راهبردی برای توسعه دو بعد «سرویس» و «محتوا»، اقدام موثر و بنیادینی صورت نپذیرفته است، در حالی که تجلی اصلی شبکه ملی در این دو بعد است. با توجه به برنامه‌ها و اقدامات کنونی نیز می‌توان مدعی شد که در آینده نزدیک نیز بسیار بعید است تا در دو بعد نامبرده، اقدامات جدی و اثرگذاری صورت پذیرد. در نتیجه، شبکه ملی به معنایی که تحقق‌بخش «حاکمیت و استقلال سایبری ج.ا.ا.» در فضای مجازی باشد، کماکان با چالش جدی مواجه است.

لازم به اشاره است که علاوه بر چالش‌های مدیریتی و سیاستی، موانع و چالش‌های فرهنگی - اجتماعی نیز می‌تواند در تحقق دو بعد دیگر نقش مستقیم و منفی داشته باشد. این چالش‌ها به جامعه هدف و کاربران ایرانی بازمی‌گردد و در سطحی فراگیرتر مطرح می‌شود. به عنوان نمونه کاربران ایرانی در سال‌های اخیر و همراه با تولد شبکه‌های اجتماعی بیگانه، تجربه حضور مستمر در این شبکه‌ها را درک کرده و در محیطی کاملاً رها از هر نوع محدودیت، زیست کرده‌اند و این پدیده، ذائقه کاربر ایرانی را تغییر داده است. بنابراین تغییر و شکل‌گیری ذائقه و الگوهای ذهنی - رفتاری مطابق با استانداردها و اکوسیستم شبکه‌های اجتماعی بیگانه، مدیریت و هدایت کاربران ایرانی در قالب سرویس‌های بومی را بسیار سخت و پیچیده کرده است. این چالش‌ها دارای ماهیتی فرهنگی - اجتماعی بوده و نیازمند برنامه ریزی بلندمدت است؛ چرا که چالش نامبرده در بعد سرویس، فنی و اجرایی نیست، بلکه اجتماعی است و نمی‌توان در مقطع زمانی کوتاه و با اقدامات ضربتی آن را برطرف نمود.

۲.۳. کارکردها و انتظارات از شبکه ملی اطلاعات در راستای ارتقای ثبات، امنیت و

استقلال ج.ا.ا.

شبکه ملی اطلاعات متشکل از «مراکز داده ملی»، «زیرساختهای اطلاعاتی و ارتباطی» و همچنین «ارائه دامنه وسیعی از خدمات الکترونیکی در راستای توسعه دولت الکترونیک» می‌باشد که از طریق شبکه پهن‌بند سراسری به عنوان پرطرفیت‌ترین زیرساخت ارتباطی موجود و با پهنای باند بالا و قابلیت اطمینان پذیری مناسب، در دسترس کاربران قرار می‌گیرد. راه اندازی این شبکه و به موجب

آن، افزایش ظرفیت انتقال اطلاعات خدمات پهن‌بند، همانند خدمات الکترونیکی عمومی را در کنار خدمات دیگر همچون IPTV (تلوزیون اینترنتی)، VoIP (انتقال همزمان مکالمات تلفنی بر شبکه دیتا)، ویدئو کنفرانس، بازی تحت شبکه و مشاهده فیلم با کیفیت HD و مانند آن را امکان پذیر خواهد نمود.

بدیهی است توسعه کشور، نیاز به ایجاد و توسعه شبکه ملی اطلاعات دارد؛ شبکه ملی اطلاعات می‌تواند کلیه نیازهای حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات کشور را پوشش دهد و زمینه را به منظور تحقق دولت الکترونیک، سلامت الکترونیک، آموزش الکترونیک و دیگر خدمات عمومی الکترونیکی مانند بانکداری الکترونیکی و... را، مهیا سازد. این شبکه ظرفیت لازم برای «نگهداری و تبادل امن تر اطلاعات داخلی در کشور، به منظور توسعه ی خدمات الکترونیکی» و «دسترسی به اینترنت» از طریق بستر ارتباطی پهن‌بند سراسری برای کاربران خانگی، کسب و کارها و دستگاههای اجرایی را فراهم می‌کند. این شبکه تجمیع کننده‌ی شبکه‌های اختصاصی، محلی و ملی در کشور است که از دو بخش اختصاصی و عمومی تشکیل می‌شود. بخش اختصاصی برای ارتباط و تبادل اطلاعات و خدمات دستگاههای اجرایی با یکدیگر و بخش عمومی برای ارائه خدمات به کاربران عمومی است و این دو بخش در نقاطی نظیر مراکز داده، با یکدیگر اتصال دارند. در برآیند نهایی، شبکه ملی اطلاعات در حوزه‌های مختلف، بایستی انتظارات گوناگونی را برآورده سازد که در ادامه مورد اشاره قرار می‌گیرد:

۲.۳.۱. کارکردها و انتظارات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی:

- حفظ و تقویت فرهنگ و هویت اسلامی- ایرانی و ارزش‌های اخلاقی؛
- تقویت استقلال ملی در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در فضای مجازی؛
- تقویت سبک زندگی ایرانی - اسلامی در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و سازمانی در فضای مجازی؛
- تقویت وحدت و انسجام در ابعاد مذهبی، قومی و ملی در فعالیت‌های شبکه ملی اطلاعات؛
- ایجاد بستر تقویت تولید ملی کالا و خدمات فرهنگی دیجیتال در ابعاد فنی، دیداری، شنیداری، مکتوب و...؛
- تقویت مبانی ارزشی و تقویت اعتماد به نفس ملی؛
- تقویت روحیه ایمان و ایثار و عنصر فداکاری به عنوان عامل اصلی اقتدار ملی؛

نهادهای در جهت تولید و ترویج علم و تحقیق و افزایش سهم کشور در تولیدات علمی؛ جهان و گسترش و تعمیق نهضت نرم‌افزاری و تأکید بر رویکرد خلاقیت و نوآوری؛

۲.۳.۲. کارکردها و انتظارات امنیتی:

- ساختاری پایدار، ایمن، منعطف و پویا از منظر فناوری و خدمات‌رسانی و قابل توسعه جهت تأمین نیازهای آتی در فضای مجازی کشور؛

- تأمین امنیت کافی و مصونیت ذخایر اطلاعات ملی در برابر آسیب‌های احتمالی در تعامل با شبکه‌های جهانی و عدم اشرف اطلاعاتی بیگانه/ دشمن/ مهاجم/ غیرخودی بر محتوا؛

- دارای ظرفیت خدمت‌رسانی به نیازهای ملی به طور پایدار و مستقل از شبکه جهانی؛

- دارای امکانات مدیریت ترافیک مبادلات الکترونیکی با مبدا و مقصد داخل کشوری در شبکه

ملی اطلاعات؛

- پایش، پیشگیری، دفاع و ارتقا توان بازدارندگی در مقابل هرگونه تهدید و آسیب در حوزه

فناوری اطلاعات و ارتباطات

- دارای قابلیت حراست از حریم خصوصی و آزادی‌های مشروع و سرمایه‌های مادی و معنوی

- دارای توان بالای مقابله با تحریم‌های احتمالی و آسیب‌پذیری پایین؛

- رعایت الزامات پدافند غیرعامل (با رعایت اصل هزینه - فایده).

۲.۴. دستاوردهای کوتاه‌مدت شبکه ملی اطلاعات

شبکه ملی اطلاعات به عنوان بستر اصلی تحقق حاکمیت و استقلال ج.ا.ا به ویژه در حوزه

سایبری و صیانت از امنیت ملی در برابر آسیب‌ها و تهدیدات برآمده از فضای سایبر، دارای

دستاوردهای بلندمدت در حوزه‌های کلان اشاره شده و همچنین دارای دستاوردهای کوتاه‌مدت در

ابعاد مختلف اقتصادی، خدماتی، زیرساختی و ... برای کاربران و حکومت می‌باشد. در ادامه برخی از

دستاوردهای ناشی از تحقق شبکه ملی اطلاعات در سه سطح (زیرساخت، سرویس و محتوا)، مورد

اشاره قرار می‌گیرد:

الف) دستاوردها برای کابر نهایی:

- دسترسی به خدمات: خدمات ویدیویی HD و خدمات ابری پهن باند داخلی با هزینه مقرون

به صرفه در شهرهای بزرگ؛

- مقرون به صرفه بودن: دسترسی به محتوا و خدمات پهن باند داخلی در سراسر کشور؛

- افزایش پوشش: دسترسی پهن باند سیار در کلیه شهرها، دسترسی پهن باند ثابت در کل کشور؛

- افزایش کیفیت: دسترسی پهن باند سیار در کلیه شهرها، دسترسی به محتوا و خدمات پهن باند داخلی، دسترسی به اینترنت؛

ب) دستاوردها برای نظام سیاسی:

- تحقق کامل استقلال کارکردی و محتوای شبکه؛

- امنیت زیرساخت‌ها، خدمات، کاربران و حفظ حریم خصوصی آن‌ها؛

- شکل‌گیری اقتصاد تولید و عرضه محتوا و خدمات پهن باند داخلی برای بخش خصوصی؛

- غالب شدن ترافیک داخلی بر خارجی؛

- رشد کسب و کارهای ICT؛

- خدمات الکترونیکی عمومی جدید؛

- بلوغ دولت الکترونیکی.

۲.۵. راهبردهای تحقق شبکه ملی اطلاعات به عنوان بستر مدیریت بومی فضای مجازی

اهمیت فزاینده و تاثیر فرااهردی فضای سایبر در ابعاد مختلف جامعه انسانی و همچنین نقش آفرینی آن در تولید قدرت و نفوذ برای کشورها، سبب شده است تا مدیریت و تسلط بر فضای سایبر، به امری حیاتی بدل گردد. در وضعیت کنونی، ایالات متحده آمریکا (به عنوان دشمن کلیدی ایران) بیشترین تسلط و احاطه را بر فضای سایبر دارد و سعی دارد تا با وضع «پروتکل‌ها و مقررات» گوناگون، این انحصار را «مشروع و قانونی» نماید و با تمسک به برخی گزاره‌ها و اصول (همچون حق دسترسی آزاد به اطلاعات و غیره)، به مقابله با برنامه‌ها و فعالیت‌های کشورهای دیگر، از جمله ایران، برای مدیریت و کنترل ارتباطات مجازی شهروندان‌شان در قلمرو سایبری خود (از طریق عملیاتی کردن شبکه ملی اطلاعات)، بپردازد.

چرا که در شرایط کنونی، ایالات متحده و کشورهایی چون اسرائیل، از فضای سایبر برای «جمع‌آوری اطلاعات» از کشورهای هدف، «حمله به زیرساخت‌های حیاتی آنان»، «جاسوسی، هک و نفوذ»، اثرگذاری و هدایت شهروندان دیگر جوامع و غیره، بیشترین بهره را می‌برند که با توجه به آمار و اسناد متقن، ج.ا.ا یکی از اهداف اصلی آنان است. بنابراین ایجاد امنیت و «بازدارندگی پایدار در قلمرو سایبری» کشور در برابر سلطه و نفوذ قدرت‌های سایبری بیگانه، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است

که این مهم، جز از طریق طراحی و پیاده‌سازی شبکه ملی اطلاعات مطابق با ابعاد و مولفه‌های ذکر شده (زیرساخت، محتوا و سرویس)، حاصل نخواهد گردید. اما ضرورت دارد تا در راستای توسعه و پیشبرد شبکه ملی اطلاعات، به برخی از راهکارها و پیشنهادات ذیل توجه گردد:

۱- آن گونه که بیان گردید، توجه و تمرکز اصلی در عملیاتی کردن شبکه ملی اطلاعات در سال‌های اخیر، بر بعد «زیرساختی» این شبکه بوده و ابعاد «سرویس» و «محتوا» مورد غفلت جدی قرار گرفته است. بنابراین رویکرد حاکم بر توسعه شبکه در آینده، بایستی متمرکز بر دو بعد یاد شده (که مطابق با انتظارات مسئولان عالی نظام و نیازهای اساسی کشور نیز می‌باشد) و کاهش خلاء در این دو حوزه باشد.

۲- از دیگر ضرورت‌های راهبردی در امر پیشبرد شبکه ملی، تدوین سند به روز، جامع و مورد اجماع نهادها و مسئولان ذیربط، در مورد شبکه ملی اطلاعات (مولفه‌ها، الزامات و غیره) می‌باشد. متأسفانه در سال‌های اخیر، تعاریف و اظهارات گوناگون، پراکنده و حتی متناقض در مورد چستی و چرایی شبکه ملی و میزان تحقق آن بیان شده است که به شدت آسیب‌زاست و سبب سردرگمی و حتی انحراف در تحقق کامل و جامع شبکه ملی اطلاعات خواهد شد.

۳- این که چه مدلی برای توسعه شبکه ملی اطلاعات مناسب است، کاملاً بستگی به اهداف یک کشور از توسعه خدمات و زیرساخت‌های پهن باند دارد. در ایران نیز با توجه به شرایط ویژه ژئوپلیتیکی، وجود نیروی انسانی متخصص، بازار بکر داخلی و منطقه‌ای و همچنین اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله ج.ا.ا و اهداف کلان شبکه ملی اطلاعات، ترسیم شده توسط شورای عالی فضای مجازی، به نظر می‌رسد که طراحی یک «مدل توسعه‌ای جهت ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز پهن باند»، تحت عنوان شبکه ملی اطلاعات، یک ضرورت باشد. همچنین تعریف بازیگران شبکه ملی اطلاعات و تبیین نقش هر کدام از آنها، به ویژه نقش دولت، در مدل توسعه شبکه ملی اطلاعات بسیار حیاتی و مهم است.

۴- توسعه و پیشبرد شبکه ملی اطلاعات در آینده باید به معنای واقعی کلمه معطوف به ایجاد و تثبیت «حاکمیت سایبری، استقلال و امنیت ج.ا.ا» باشد، تا علاوه بر ایجاد بازدارندگی و پایداری در قلمرو سایبری، نقش راهبردی در تولید قدرت و نفوذ سایبری برای کشور داشته باشد. بدین معنی که این بستر که در شرایط کنونی برای کشور بیشتر جنبه تهدیدآمیز و بحران‌آفرین دارد، به یک قابلیت راهبردی برای تامین و پیشبرد منافع ملی و همچنین حفاظت از امنیت و توسعه تاب‌آوری ملی بدل شود.

نتیجه‌گیری:

با پیشرفت روزافزون تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، نقش آفرینی دولت‌ها در کنترل و نظارت بسیاری از امور به خصوص «مرزهای سیاسی»، «جریان داده و اطلاعات»، «کنترل و هدایت افکار عمومی» و ... روز به روز تضعیف می‌شود. به گونه‌ای که می‌توان مدعی شد که پروسه تضعیف استقلال و انتقال قدرت از حاکمیت‌های ملی به دیگر مراجع شروع شده و نشانه‌های آن به روشنی در شرایط کنونی قابل مشاهده است. از سویی امروز یکی از اصلی‌ترین بسترهای درگیری و تقابل میان دولت‌ها، فضای سایبر است که با استفاده از فناوری‌های مبتنی بر اینترنت مانند شبکه‌های اجتماعی و ... سعی در برتری‌جویی نسبت به رقیب دارند و هدف آن تغییر مواضع کشور هدف یا تغییر حکومت در کشور مورد نظر است. به عنوان نمونه ایالات متحده در جریان اعتراضات انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۸۸ و در حوادث آبان ۹۸، با بهره‌گیری تمام عیار از شبکه‌های اجتماعی، جنگ سایبری تمام عیاری را علیه ج.ا.ا عملیاتی کرد. معترضین نیز از این شبکه‌های اجتماعی برای «سازماندهی فعالان سیاسی»، «راه‌اندازی جنگ اطلاعاتی» و ... بهره‌برداری کردند. به صورت خاص‌تر باید گفت که تمرکز و ذخیره‌سازی اطلاعات ریز و درشت بخش‌های مختلف جهان اعم از خصوصی، عمومی، شرکت‌ها، حکومت‌ها و غیره، به افزایش قدرت اطلاعاتی سپس «سلطه اطلاعاتی» و در نهایت سلطه فرهنگی و سیاسی آمریکا بر دیگران انجامیده است و این سلطه اطلاعاتی آمریکا، هزینه‌های گسترده‌ای را در سال‌های گذشته برای ج.ا.ا تولید کرده است. با لحاظ موارد فوق، ج.ا.ا برای تضمین امنیت و استقلال خود در گام دوم، علاوه بر قلمرو و فضای فیزیکی، بایستی در پی اعمال حاکمیت در قلمروهای جدید مانند فضای مجازی باشند. چرا که حکمرانی و اعمال اقتدار در مدیریت هر کشور، در تمامی سطوح آن است و با توجه به این که فضای مجازی نیز یکی از سطوح و قلمروهای مورد اشاره است، بنابراین اعمال حاکمیت در فضای مجازی، جهت ممانعت از تحدید حاکمیت ملی، موضوعیت حیاتی دارد. واقعیت آن است که در شرایط کنونی «زیرساخت ارتباطی موجود» در ایران، وابستگی قابل توجهی به شبکه جهانی اینترنت دارد. از سوی دیگر با توجه به اینکه مدیریت شبکه اینترنت در داخل کشور به دلیل «عدم حاکمیت بر بستر فضای ارتباطی آن»، با مشکلاتی مواجه است، این وابستگی نه تنها هزینه‌های زیادی را بر کشور تحمیل می‌کند، بلکه به دلیل «عدم اطمینان پذیری مناسب چنین ساختار ارتباطی‌ای، پایداری و امنیت ارتباطات بر بستر شبکه موجود نیز به مخاطره خواهد افتاد». تحقق شبکه ملی اطلاعات می‌تواند کلیه

نیازهای حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات کشور را پوشش دهد و زمینه را به منظور تحقق دولت الکترونیک، سلامت الکترونیک، آموزش الکترونیک و دیگر خدمات عمومی الکترونیکی مانند بانکداری الکترونیکی و... را، مهیا سازد. مهمتر از این موارد، تضمین استقلال و امنیت کشور و تحقق حاکمیت ج.ا.ا در فضای سایبر است که این امر، وابستگی کلیدی به تحقق شبکه ملی اطلاعات در سه بعد زیرساخت، سرویس و محتوی دارد.

کتابنامه

- اسلامی، محسن (۱۳۸۱)، «تکنولوژی اطلاعات و حاکمیت»، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۷۶-۱۷۵
- بدیعی ازندهای، مرجان؛ حسینی نصرآبادی، نرجس‌السادات، (۱۳۹۱)، «جهانی شدن و تحول مفهوم حاکمیت ملی»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال دوازدهم، شماره ۲۵
- پورحسن، ناصر (۱۳۹۶)، «مولفه‌های جنگ هیبریدی عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران»، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هشتم، شماره ۴
- پوررضا، ناصر (۱۳۹۳)، «تاثیر رسانه بر شبکه‌های اجتماعی و کنش اجتماعی در ایران»، فصلنامه رسانه و فرهنگ، سال چهارم، شماره ۲.
- سلطانی فر، محمد، شیرزاد بخشی و سعید فرامرزیانی (۱۳۹۲)، «بررسی تاثیرات شبکه‌های اجتماعی فیسبوک و توییتر بر گرایش اعضا به این شبکه‌ها»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال بیستم، شماره ۴.
- رضاییان، مجید (۱۳۹۳)، «شبکه‌های اجتماعی؛ چالش در تعریف افکار عمومی» رسانه، سال بیست‌وپنجم، شماره ۱
- قاسمی، فرهاد؛ اسماعیلی فرزین، ایرج (۱۳۹۶)، «جنگ هیبریدی در سیستم بین‌المللی پیچیده - آشوبی»، فصلنامه مدیریت نظامی، سال هفدهم، شماره ۲
- کیا، علی اصغر (۱۳۹۴)، «تاثیر شبکه‌های اجتماعی اینترنتی بر کیفیت روابط اجتماعی (مطالعه موردی کاربران فیسبوک)»، فصلنامه علوم خبری، سال پنجم، شماره ۱۳.
- محمدی خانقاهی، محسن؛ مرادی، عبدالله؛ رضایی، صفیه (۱۳۹۶)، «نقش شبکه‌های اجتماعی در جهت‌دهی به افکار عمومی و بسیج سیاسی»، فصلنامه عملیات روانی

مستقیمی، بهرام (۱۳۸۵)، «فناوری اطلاعات و حاکمیت»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۱

نامداریان، لیلا (۱۳۹۶)، «ارائه الگویی برای تقویت اثرات اقتصادی شبکه ملی اطلاعات»، پژوهش‌نامه

پردازش و مدیریت اطلاعات، دوره ۳۳ شماره ۱

همایون، محمدهادی؛ هاشمی، محمدساجد (۱۳۹۶)، بازنمایی شبکه ملی اطلاعات در رسانه‌های برون

مرزی، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، سال سوم، شماره ۹

Sanda svetoka, (2016), "social media as a tool of hybrid warfare, nato strategic communication centre of excellence